

چکیده

عدم مشارکت فعال پلیس در فرآیند برنامه‌ریزی شهری یکی از معضلاتی است که هم‌اکنون پلیس کشور به آن مبتلاست و خود این مسئله باعث بروز یک سری مشکلات از جمله مکان‌گزینی نامناسب اماکن انتظامی بدون توجه به سه فاکتور اساسی جغرافیا، جمعیت و جرم می‌شود. ریشه‌های این معضل به نوع دیدگاه مدیران عالی‌رتبه و کشورباز می‌گردد و این در حالی است که شهر مهم‌ترین محل انجام مأموریت‌های پلیس است. هدف از نگارش مقاله حاضر این است، که ضمن پرداختن به دلایل

بروز این معضل، زمینه‌های مشارکت پلیس در برنامه‌ریزی شهری احصاء و ذکر گردد تا از این طریق بتوان راه‌حل مناسبی برای خروج از این وضعیت طراحی و ترسیم نمود. واژه‌های کلیدی: پلیس، مشارکت، برنامه‌ریزی شهری، امنیت.

مقدمه

شهر مهم‌ترین محل انجام مأموریت‌های انتظامی است و پلیس به عنوان یکی از مؤثرترین نهادهای حکومتی و شهری نقش محوری در کنترل و پیشگیری از ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی در محیط شهری دارد (دعاگویان، ۱۳۸۴: ۱۷۳). به همین دلیل این سازمان باید در متن تصمیم‌گیری‌های نهادهای مرتبط با شهر باشد. اما، متأسفانه، مشارکت غیرفعال پلیس در فرآیند برنامه‌ریزی شهری یکی از معضلاتی است که هم‌اکنون پلیس کشور به آن مبتلاست و خود این مسئله سرآغاز یک سری مشکلات است که از آن جمله می‌توان به مکان‌گزینی نامناسب اماکن انتظامی در سطح شهرها بدون توجه به سه فاکتور اساسی جغرافیا، جمعیت و جرم اشاره نمود. بدیهی است که کلاتری‌ها و مراکز انتظامی به عنوان یکی از نهادهای شهری و به جهت نیازهای شهروندان و تعاملات گسترده آنان با نهادهای انتظامی از جایگاه ویژه‌ای در سطح شهر برخوردارند (دعاگویان، ۱۳۸۴: ۱۱۳). این خلاء سبب می‌گردد که اولاً خدمات رسانی این نیروی خدمت به مخاطبین خود دچار وقفه و مشکل شود و نوعی نارضایتی عمومی و کاهش سطح منزلت برای وی رخ دهد. ثانیاً، به دلیل آن که میزان دسترسی مردم به آن‌ها کاهش می‌یابد (به دلیل مکان‌گزینی نامناسب و عدم دسترسی)، خود به خود گزارش‌دهی مردمی نیز در خصوص جرایم واقع شده یا در شرف وقوع نزول پیدا می‌کند و در نهایت سطح امنیت کاهش می‌یابد. این مسایل زمانی اهمیت دوچندان می‌یابد که بدانیم در حال حاضر رویکرد جامعه محوری پلیس در نظر است و بدون تعامل با مردم و حضور در میان آنان، امنیت و به خصوص بعد اجتماعی آن تحقق نمی‌یابد. از سویی دیگر، بنا بر فرمایشات مقام معظم رهبری، همه سازمان‌ها از جمله پلیس باید از موضع انفعالی خارج شوند و با فعالیت دوچندان تلاش کنند تا با اصلاح فرآیندهای ناکارآمد گذشته، خود را به سطح اول منطقه نزدیک و یا حتی از آن عبور نمایند.

● مفهوم برنامه‌ریزی شهری و ارتباط آن با مأموریت‌های پلیس
برنامه‌ریزی شهری از نظر محتوایی معنای گسترده‌ای دارد و ابعاد اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی، کالبدی و فنون مرتبط با شهر را در

لزوم مشارکت پلیس در برنامه‌ریزی شهری

دکتر سیدعلی عبادی نژاد

استادیار دانشگاه علوم انتظامی

علی اصائلو

کارشناس ارشد جغرافیا

برمی‌گیرد. اگرچه برنامه‌ریزی شهری از نظر اصول و نحوه کاربرد شهرها سابقه‌ای طولانی دارد و اقدامات موضعی مرتبط با شهرهای گذشته را می‌توان به نوعی برنامه‌ریزی شهری قلمداد کرد، ولی سابقه شکل‌گیری آن به شیوه جدید به پس از انقلاب صنعتی و به ویژه سده ۱۹ میلادی باز می‌گردد (دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، ۱۳۸۷: ۱۳۳).

آمایش و ساماندهی فضای جغرافیایی هدف عمده برنامه‌ریزی است (رجایی، ۱۳۸۲: ۲۱۹) و برنامه‌ریزی شهری تلاشی به منظور انجام اعمالی است که نتایج آن‌ها، نظارت بر شهر را برای حفظ منافع مردم شهری و بهبود محیط آن‌ها در پی دارد. بدینسان، برنامه‌ریزی شهری مجموعه گسترده‌ای از فعالیت‌های نظام‌مند است که به منظور نیل به اهدافی برای آینده شهر در نظر گرفته می‌شود. این اهداف شامل حفاظت‌های محیطی، توسعه شهری، اشکال مختلف فعالیت‌های اقتصادی، عدالت اجتماعی و مانند آن‌ها باشد (دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، ۱۳۸۷: ۱۳۴).

به عبارت دیگر، برنامه‌ریزی شهری عبارت است از تأمین رفاه شهروندان از طریق ایجاد محیطی بهتر، مساعدتر و سالم‌تر (زیاری، ۱۳۷۸: ۵۴) و خلاصه این که برنامه‌ریزی شهری با آینده‌نگری خاصی که در جهت توسعه آینده شهر دارد بایستی با بهره‌گیری از آمار و اطلاعات و در دست داشتن نبض‌های اجتماعی، اقتصادی و فیزیکی شهر به تجزیه و تحلیل مسایل شهر پرداخته و با بهره‌گیری از امکانات و یا به حداقل رسانیدن محدودیت‌ها، با ارائه طرحی جامع، دقیق و گویا با در برداشتن کلیه امکانات رفاهی به پیشنهادات لازم پردازد (شعیبه، ۱۳۶۹: ۱۰۳). همان‌گونه که ملاحظه شد اهدافی مانند: نظارت بر شهر، حفظ منافع مردم و بهبود محیط زندگی در تعریف برنامه‌ریزی شهری موجود است که نه برحسب تصادف بلکه براساس عقل و منطق همین موضوعات از دغدغه‌های مأموریتی پلیسی است و بنابراین، همپوشانی اهداف، خود یکی دیگر از دلایل لزوم مشارکت پلیس در این نوع برنامه‌ریزی می‌باشد. از سویی دیگر، برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری، ساماندهی مکانی و فضایی فعالیت‌ها و عملکردهای شهری براساس خواست‌ها و نیازهای جامعه شهری است و هسته اصلی برنامه‌ریزی شهری را تشکیل می‌دهد (سعیدنیا، ۱۳۷۸: ۱۳). با توجه به مطالب فوق‌الذکر، بدیهی است که فعالیت‌های امنیتی و انتظامی یکی از انواع عملکردهای شهری و مورد نیاز جامعه شهری هست و همه جوامع خواستار آن بوده و برای تحقق آن تلاش می‌کنند و انجام درست آن نیز به عهده پلیس است. اهمیت این موضوع زمانی آشکارتر می‌گردد که بدانیم انسان موجودی است مکانی و کلیه فعالیت‌های وی نیز اعم از اعمال مجرمانه و غیرمجرمانه بر روی مکان رخ می‌دهد. در نهایت این که، در این برنامه‌ریزی تلاش می‌شود که الگوهای اراضی شهری به صورت علمی مشخص شود و مکان‌یابی فعالیت‌های مختلف در شهر در انطباق و هماهنگی با یکدیگر و سیستم‌های شهری قرار گیرد (زیاری، ۱۳۷۸: ۱۳).

قاعداً یکی از انواع کاربری اراضی شهری، کاربری اداری-انتظامی است. این نوع از کاربری‌ها با توجه به این که مورد مراجعه روزانه بسیاری از شهروندان قرار می‌گیرند، مشکلات ترافیکی بسیاری را ایجاد می‌کنند.

بنابراین، چنانچه این نوع کاربری‌ها به صورت نامناسب مکان‌یابی شوند، نقش اساسی در ایجاد سفرهای زائد شهری خواهند داشت (عسگری و همکاران، ۱۳۸۱: ۱۸). در واقع این نوع از برنامه‌ریزی، مجموعه‌ای از فعالیت‌های هدفمند است که محیط مصنوع را سامان می‌بخشد و در حد مقدور، خواسته‌ها و نیازهای جوامع شهری را در استفاده از اراضی فراهم می‌آورد (پورمحمدی، ۱۳۸۲: ۳).

● عوامل مؤثر بر مشارکت غیرفعال پلیس در برنامه‌ریزی شهری

در بررسی عوامل بروز این معضل به دو مشکل عمده برخورد می‌شود که به ترتیب در ادامه مورد بحث واقع می‌شوند.

۱- کم توجهی مدیران عالی‌نیروی انتظامی به مشارکت در برنامه‌ریزی شهری که مهمترین دلایل آن عبارتند از:

الف) دیدگاه اشتباه حاکم بر بخش‌هایی از بدنه و ساختار این نیرو، چرا که مشاهده می‌شود، بسیاری از افراد سازمان خود را فقط مجری یک سری دستورات می‌دانند که البته در جای خود قابل احترام است. لکن، باید توجه داشت که حتی در اجرای دستورات هم می‌توان برنامه‌ریزی کرد تا بتوان آن‌ها را به بهترین شکل ممکن عملیاتی نمود.

ب) کمبود تخصص‌های لازم برای ورود به این عرصه‌ها
ج) بودجه‌های اختصاص داده شده به این گونه امور کافی نیست، چراکه دست‌یابی به استانداردهای خدماتی، اداری و انتظامی در سطح شهرها از طریق پرداخت هزینه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های لازم قابل وصول است.
۲- عدم توجه کافی مدیران عالی‌کشوری به مشارکت پلیس در فرآیند تهیه، تصویب و اجرای برنامه‌های توسعه شهرهای موجود و جدید که البته خود این موضوع نیز معلول عوامل ذیل است:

الف) از آنجایی که نوعی عقب‌افتادگی در کشور در همه بخش‌ها از جمله شهرها حاکم است، لذا، توجه این گروه «بیشتر به تأمین حداقل امکانات کالبدی، اقتصادی و اجتماعی شهرنشینی است و کمتر به تأمین خدمات عمومی زیربنایی معطوف شده است (زیاری، ۱۳۸۳: ۸۹)»

ب) در مجموعه قوانین و مقررات شهری ایران جای مقررات تخصصی برنامه‌ریزی و طراحی شهری خالی است و همین مسأله سبب شده تا بسیاری از نهادها و سازمان‌های مرتبط با این امر نتوانند نقش خود را به درستی ایفا نمایند.

● دلایل لزوم مشارکت پلیس در برنامه‌ریزی شهری

۱- شهر مهم‌ترین مکان انجام مأموریت‌های پلیس است. (تصور شهر بدون پلیس امکان‌پذیر نیست)،

۲- رویکرد جدید پیشگیری وضعی از جرم از طریق طراحی‌های محیطی،
۳- روند توسعه شهرنشینی در کشور و متناسب با آن افزایش میزان جرم و جنایت در شهرها و توقع مردم از پلیس برای برقراری امنیت،

۴- رعایت اصل مشورت و تصمیم‌گیری‌های جمعی به دلیل خطای کمتر آن‌ها که در برنامه‌ریزی‌های شهری تصمیم‌گیران باید به آن توجه کنند،

۵- امنیت به عنوان یکی از زیرساخت‌های توسعه شهرها به شمار می‌رود و پاسداری از این گوه‌گران بهاء به عهده پلیس است،

۶- تنوع و حجم زیاد مأموریت‌های پلیس در شهرها،
۷- مشکلات و تنگناهایی که از عدم مشارکت پلیس در برنامه‌ریزی شهری ناشی می‌شود مانند: مکان‌گزینی و توزیع نامناسب مراکز انتظامی و خدماتی،

۸- یکی از تدابیر انتظامی به منظور کنترل و مقابله با آشوب‌های اجتماعی، شناسایی مناطق شهری و بلوک بندی آن‌ها در جهت ارایه الگوی دفاع شهری است. (دعاگویان، ۱۳۸۴: ۱۳۸).

● برخی از زمینه‌های مشارکت پلیس در برنامه‌ریزی شهری

- ۱- مکان‌گزینی اماکن انتظامی،
- ۲- نحوه توزیع مراکز سیاسی، اداری، اقتصادی و فرهنگی به منظور کنترل و مراقبت از این اماکن،
- ۳- چگونگی بلوک بندی مجتمع‌های مسکونی متناسب با مأموریت‌های پلیس،
- ۴- نوع طراحی خیابان‌ها و خطوط حمل و نقل شهری با هدف تسهیل ترافیک و حضور مردم و پلیس در داخل شهر،
- ۵- پراکنندگی مراکز درمانی، اورژانس، آتش‌نشانی، پایانه‌ها و پارک‌ها که در تعامل نزدیک با پلیس هستند،
- ۶- طراحی شهرها با توجه به رویکرد پیشگیری وضعی از جرم از طریق طراحی محیطی به منظور دشوار نمودن وقوع جرم توسط مجرمان،
- ۷- جلوگیری از ایجاد مکان‌های مخفی و سایه از طریق فضا سازی‌های نامناسب شهری برای جلوگیری از مساعد شدن بستر محیطی وقوع جرایم.

نتیجه‌گیری

با توجه به این که انسان موجودی است مکانی و کلیه فعالیت‌های وی نیز در مکان رخ می‌دهد، بنابراین، برنامه‌ریزی‌های مکانی اهمیت زیادی دارد. از سوی دیگر، برنامه‌ریزی شهری نوعی برنامه‌ریزی مکانی است و شهر مهمترین مکان رویداد انواع جرایم است که پلیس بیشتر مأموریت‌های خود را در داخل آن پیگیری می‌کند. این موضوع در گذشته مورد غفلت این سازمان قرار گرفته ولی هم‌اکنون و در بستر سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ کشور زمینه مناسبی برای ورود به این عرصه فراهم شده است که امید آن می‌رود که مدیران ذی‌ربط با تغییر دیدگاه‌های قبلی به آن وارد شوند.

منابع و مآخذ

- ۱- پورمحمدی، محمدرضا، ۱۳۸۲، برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهر، سمت.
- ۲- دعاگویان، داود، ۱۳۸۴، جامعه‌شناسی شهری با رویکرد انتظامی و امنیتی، مؤسسه انتشاراتی جام‌جهان‌بین.
- ۳- رجایی، عبدالمجید، ۱۳۸۲، کاربرد جغرافیای طبیعی در برنامه‌ریزی شهری و روستایی، انتشارات سمت.
- ۴- زیاری، کرامت‌آ، ۱۳۷۸، اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دانشگاه یزد.
- ۵- زیاری، کرامت‌آ، ۱۳۸۳، برنامه‌ریزی شهرهای جدید، انتشارات سمت.
- ۶- سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های وزارت کشور، ۱۳۸۷، دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، ناشر: مؤسسه فرهنگی، اطلاع‌رسانی و مطبوعاتی.
- ۷- سعیدنیا، احمد، ۱۳۷۸، کتاب سبزه‌راهنمای شهرداری‌ها، ج ۲ و ۴، تهران: وزارت کشور، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری.
- ۸- عسگری، علی، رازانی، اسد و پدرا درخشانی، ۱۳۸۱، برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری (سیستم‌ها و مدل‌ها)، ناشر: نورعلم.
- ۹- شعبه، اسماعیل، ۱۳۶۹، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی شهری، انتشارات دانشگاه علم و صنعت.

